

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

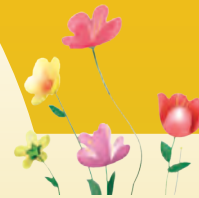
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

هدیه های آسمان

تعلیم و تربیت اسلامی

دوم دبستان





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نام کتاب:	هدیه‌های آسمان (تعلیم و تربیت اسلامی) - دوم دبستان - ۲۰۲
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	مرتضی دانشمند، عبدالکریم صالحی، سید سجاد طباطبایی نژاد، محمود متوسل آرانی و مسلم ناصری (اعضای گروه تألیف)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری و طراح جلد) - حسین وهابی (طراح گرافیک و صفحه‌آرا) - شیوا ضیایی، گلنار نرو تیان، مهدیه صفایی نیا، صبا صفا، سحر خراسانی، عاطفه ملکی‌جو، پرینا ملکی و طاهر شعبانی (تصویرگران) - فرهاد سلیمانی، حمیدرضا همتی (عکاس) - فاطمه باقری مهر، حسین چراغی، سیف‌الله بیک‌محمّد دیوند، فاطمه پزشکی و ناهید ختام باشی (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
ناشر:	شرکت افست: تهران - کیلومتر ۴ جاده‌ی ابعلی، پلاک ۸، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳، دورنگار: ۷۷۳۳۹۰۹۷، صندوق پستی: ۱۱۱۵۵-۴۹۷۹
چاپخانه:	شرکت افست «سهامی عام» (www.offset.ir)
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ نهم ۱۳۹۹
برای دریافت فایل pdf کتاب‌های درسی به پایگاه کتاب‌های درسی به نشانی www.chap.sch.ir و برای خرید کتاب‌های درسی به سامانه فروش و توزیع مواد آموزشی به نشانی www.irtextbook.ir یا www.irtextbook.com مراجعه نمایید.	

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۷-۳۰-۲۰۵-۹۶۴-۹۷۸-۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۰۳۰-۷-۲۰۳۰-۷ ISBN 978-964-05-2030-7





کودکان دبستانی عزیزان من هستند.

امام خمینی (قَدَسَ سِرَّةُ)





همکار گرمی، معلم عزیز

سلام علیکم؛ خداوند مهربان را شاکریم که بر اساس برنامه‌ی درسی ملی، تحوّل بزرگی در نظام آموزش و پرورش کشور در حال وقوع است. در راستای اهداف این برنامه، تغییرات لازم در کتاب تعلیم و تربیت دینی دوم ابتدایی با عنوان «هدیه‌های آسمان» صورت گرفت. امیدواریم با آموزش مناسب کتاب حاضر، شاهد شکوفایی هر چه بیشتر استعدادها و پرورش انگیزه‌ها و رفتارهای دینی دانش‌آموزان میهن عزیز اسلامی‌مان باشیم.

برای پیشبرد بهتر فرایند یاددهی - یادگیری، توجه شما را به نکات ذیل جلب می‌کنیم:

۱- برای تدریس کتاب، مراجعه به کتاب راهنمای معلم لازم است. بخشی از محتوای آموزشی در کتاب راهنمای معلم قرار داده شده است و بدون مراجعه به آن فرایند آموزش تکمیل نخواهد شد. به عنوان نمونه برخی اشعار تنها در کتاب راهنمای معلم آمده است.

۲- با توجه به این که تصاویر نقش مهمی در تثبیت اهداف درس دارند، لازم است همکاران محترم در راستای آموزش مفاهیم درس، از شیوه‌ی تصویرخوانی نیز استفاده نمایند.

۳- تدریس برخی درس‌ها می‌تواند به صورت پیمانه‌ای صورت گیرد. یعنی با توجه به مناسبت‌های گوناگون و یا احساس نیاز معلم، می‌توان برخی درس‌ها را خارج از ترتیب موجود تدریس نمود.

۴- ارزشیابی درس هدیه‌های آسمان به صورت توصیفی است. جهت اطلاع بیشتر در مورد شیوه و ابزارهای آن به کتاب راهنمای معلم پایه دوم مراجعه نمایید.

۵- هر درس اجزایی دارد که به صورت خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود. تفصیل مطالب در کتاب راهنمای معلم آمده است:

عنوان درس: عنوان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، گویای چکیده و محتوای اصلی درس است و با ایجاد حس کنجکاوی در دانش‌آموزان، در جهت انگیزش آن‌ها به موضوع درس به کار می‌آید.



متن درس: شامل بخش عمده‌ای از مفاهیم و اهداف اصلی درس می‌باشد.

بدانیم: این بخش در راستای تقویت و تکمیل مفاهیم اصلی درس، در برخی دروس قرار داده شده است. لازم به ذکر است که محتوای این بخش جزء درس بوده و در فرایند آموزش نقش قابل توجهی ایفا می‌کند. علاوه بر سه بخش فوق که ارائه کننده مفاهیم درس هستند، فعالیت‌های متنوعی متناسب با هر درس طراحی شده است که با مشارکت دانش‌آموزان انجام می‌شود:

فکر می‌کنم: این بخش جمع‌بندی و خلاصه‌ی درس به ویژه در حیطه‌ی شناختی از زبان دانش‌آموز است که لازم است دانش‌آموزان مشارکت لازم و مؤثری در آن داشته باشند. ضرورتی بر انجام کتبی این بخش نیست و انجام شفاهی آن از سوی دانش‌آموز کفایت می‌کند.

دوست دارم: این بخش به دنبال تقویت اهداف حیطه‌ی عاطفی بوده و دانش‌آموزان را به انجام فعالیتی عملی تشویق می‌کند. در حقیقت دانش‌آموزان در این بخش به آنچه در پیش فکر کرده‌اند و فهمیده‌اند، ابراز علاقه می‌کنند. در این مرحله نیز لزومی بر انجام کتبی فعالیت نیست و می‌تواند به صورت شفاهی صورت گیرد.

گفت و گو کنیم: در این بخش دانش‌آموزان با هدایت و نظارت آموزگاران به سؤالات مطرح شده پاسخ می‌دهند و با جمع‌بندی آموزگار، مفاهیم درس تثبیت می‌شوند.

امین و مینا: بخشی که یک خواهر و برادر محتوای درس را به زبانی دیگر بیان می‌کنند و دانش‌آموزان با پاسخ‌های متفاوت خود در کلاس، مطالب آن‌ها را تکمیل می‌کنند. این کار در جهت بسط و گسترش مفاهیم درس است.

بگرد و پیدا کن: در این بخش با انجام یک فعالیت عینی و ملموس، دقت دانش‌آموزان تقویت می‌شود.

ببین و بگو: این بخش نقش تمرینی در جهت تثبیت مفاهیم درس بوده و موجب تعمیق یادگیری می‌شود.

با هم بخوانیم: شامل شعری در موضوع درس است که توسط دانش‌آموزان هم‌خوانی می‌شود. تعدادی از اشعار



هم در راهنمای معلم آمده است.

بازی و نمایش: محتوای برخی دروس به صورت نمایش در کلاس اجرا می‌شود. جهت جذابیت بیشتر فعالیت، آموزگاران می‌توانند امکانات لازم برای نمایش را در کلاس تدارک نمایند. این بخش با قرار دادن دانش‌آموزان در موقعیتی فرضی، اهداف درس را تثبیت می‌نماید.

یک کار خوب: انجام این فعالیت نیز وسیله‌ای برای تثبیت اهداف درس است.

تمرین کنیم: این بخش در درس‌های احکام قرار داده شده است و لازم است برای تک تک دانش‌آموزان در مدرسه انجام شود. می‌توان از اولیای دانش‌آموزان خواست تا محتوای درس را در خانه نیز با فرزندان خود تمرین کنند. انتظار می‌رود همه‌ی دانش‌آموزان در بخش‌های گوناگون درس مشارکت داشته باشند و اگر دانش‌آموزی در بخشی نتوانست فعالیت و مشارکت مؤثری داشته باشد، در بخش دیگر به او توجه شود.

همراه با خانواده: این قسمت با هدف بسط یادگیری و تقویت نگرش دانش‌آموز به مفاهیم دینی در میان اعضای خانواده، برای بروز رفتار دینی وی قرار داده شده است.

توجه به حیطه عاطفی دانش‌آموزان در کنار حیطه دانشی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ فعالیت‌هایی با عنوان «دوست دارم»، «ببین و بگو»، «باهم بخوانیم» و «بازی و نمایش» عمدتاً با این هدف در کتاب گنجانده شده است.

انتظار می‌رود والدین گرامی، همراهی لازم را جهت انجام این بخش از فعالیت‌ها با دانش‌آموز مبذول نمایند. آرزوی گروه تعلیم و تربیت دینی، توفیق روزافزون همکاران عزیز در رشد و پرورش دینی امیدهای آینده‌ی کشور است.

گروه قرآن و معارف اسلامی

<http://qm-dept.talif.sch.ir>



دوست خوبم، سلام



اکنون که به کلاس دوم آمده‌ای، برایت هدیه‌ای دارم! یک کتاب زیبا،
هدیه‌های آسمان.
امیدوارم این هدیه را از من قبول کنی و در نگهداری آن کوشا باشی.
خوب می‌دانم که دانش آموز زرنگ و باهوشی هستی.
کتابت را دوست داری، نوشته‌هایش را خوب می‌خوانی و درس‌هایش را
خوب یاد می‌گیری.
دوست دارم همیشه لبخند بزنی و شاد باشی.
خدا نگه‌دارت.



فهرست

درس اوّل هدیه‌های خدا ۱۰



درس دوم پرندگان چه می‌گویند؟ ... ۱۴



درس سوم خاطره‌ی ماه ۱۸



درس چهارم مهربان‌تر از مادر ۲۲



درس پنجم می‌خواهم وضو بگیرم ۲۶



درس ششم پیامبران خدا ۳۲



درس هفتم مهمان کوچک ۳۶



درس هشتم جشن میلاد ۴۰



درس نهم اهل بیت پیامبر ۴۴



درس دهم خانواده‌ی مهربان ۴۸





درس یازدهم نماز بخوانیم ۵۲



درس دوازدهم پدر مهربان ۵۸



درس سیزدهم بهترین دوست ۶۲

درس چهاردهم دعای باران ۶۶



درس پانزدهم بچه‌ها سلام! ۷۲



درس شانزدهم طبیعت زیبا ۷۶



درس هفدهم وقت نماز ۸۰



درس هجدهم راه خوش بختی ۸۴



درس نوزدهم جشن بزرگ ۸۸



درس بیستم در کنار سفره ۹۲



هدیه‌های خدا

همه‌ی بچه‌ها خوش حال بودند و کتاب‌های درسی جدید را ورق می‌زدند.

زهرا و صبا کنار هم نشسته بودند و عکس‌های کتاب را به هم نشان می‌دادند.

خانم معلّم از در وارد شد و با لبخند گفت: بچه‌ها سلام!

همه به احترام او ایستادند و یک صدا گفتند: سلام!

خانم معلّم سخنش را با نام خدا آغاز کرد و گفت:

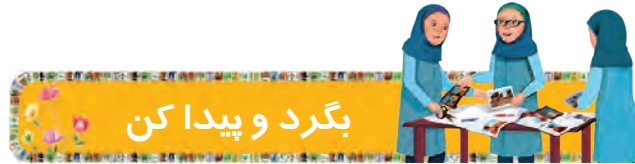


بچه‌ها امسال کتاب جدیدی داریم به نام «هدیه‌های آسمان».
ریحانه گفت: چه اسم قشنگی! من هدیه گرفتن را خیلی دوست دارم!
معلم لبخندی زد و گفت:
بچه‌ها فکر می‌کنید چه کسی بیشترین هدیه را به شما داده است؟
هر کس چیزی گفت.
فاطمه گفت: پدر و مادر!
معلم ادامه داد: پدر و مادر را چه کسی به شما هدیه داده است؟
مریم گفت: خدای مهربان!
معلم گفت: همان خدایی که ما را خیلی دوست دارد و نعمت‌های زیادی به ما
داده است، مانند خورشید، باران، میوه‌ها و ...
بچه‌ها چند لحظه چشم‌هایشان را بیندید ...
حالا چشم‌هایشان را باز کنید. خداوند به ما چشم داده تا بتوانیم همه جا را ببینیم
و نقاشی‌های زیبا بکشیم.
به ما دست داده تا ...

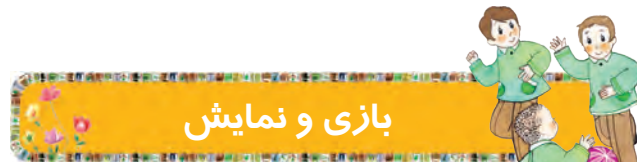




اگر خورشید نبود ...



هدیه‌های زیبای خدا را در این عکس پیدا کن و برای دوستانت بگو.



با دوستان خود نمایشی را اجرا کنید که نشان دهد اگر یک روز آب خانه یا مدرسه قطع شود، چه مشکلاتی پیدا می‌کنیم؟

دوست دارم



از خدایی که این همه نعمت و هدیه به من داده است، تشکر کنم و بگویم...

با هم بخوانیم



خدای شاپرک‌ها

ستاره، آسمان، مهتاب از توست
خدای شاپرک‌های قشنگی
در آن نقاشی دریا کشیدی
به مرغان جوجه‌های ناز دادی
خدای سبزه‌زار و جویباری
تو هم بخشنده‌ای، هم مهربانی

خدایا! آفتاب و آب از توست
خدای غنچه‌های رنگ‌رنگی
تو دشت بی‌کران را آفریدی
به گنجشکان پَر پرواز دادی
خدای باغ و باران و بهاری
خداوند زمین و آسمانی

حمید هنرجو



پرنده‌گان چه می‌گویند؟

غروب یک روز بهاری است. گنجشک‌ها بر روی درختان جیک جیک می‌کنند. ساجده از پنجره‌ی اتاق نگاهی به آسمان می‌کند و می‌گوید: مادر، چرا گنجشک‌ها جیک جیک می‌کنند؟ آن‌ها چه می‌گویند؟

مادر گفت: دخترم، همان‌طور که ما حرف می‌زنیم، گنجشک‌ها هم حرف می‌زنند. فکر می‌کنم آن‌ها با این کار از خدا تشکر می‌کنند.

ساجده گفت: آن‌ها به خدا چه می‌گویند؟

مادر گفت: شاید می‌گویند:

خدایا تو به ما یاد دادی چگونه پرواز کنیم.

چگونه لانه بسازیم و کجا دنبال دانه بگردیم.

خدایا از تو به خاطر این همه مهربانی تشکر می‌کنیم.

ساجده گفت: پرنده‌گان چه حرف‌های خوبی به خدا می‌زنند. من هم می‌خواهم با خدا حرف بزنم و از او تشکر کنم.

در این هنگام صدای اذان از مسجد بلند می‌شود. مادر وضو می‌گیرد و به نماز می‌ایستد.

ساجده با خود می‌گوید:





فکر می‌کنم

ساجده با خود چه گفت؟



دوست دارم

وقتی پدر و مادرم نماز می‌خوانند، ...



گفت و گو کنیم

با درس خواندن، از کدام نعمت‌های خدا می‌توان تشکر کرد؟

خدایا از روزی که به دنیا آمده‌ام، از تو هدیه‌های زیادی گرفته‌ام.

..... خدایا تو به من

.....

.....

.....





آواز گنجشک

وقت سحر بود
گنجشک نازی
بر روی شاخه
می کرد بازی
جیک جیک گنجشک
شنیدنی بود
پر زدن او
چه دیدنی بود
نزدیک رفتم
پرسیدم از او
چرا با جیک جیک
می پری هر سو
گنجشک زیبا
با خنده گفتا
من می گزارم
شکر خدا را
آواز گنجشک
عبادت اوست
پرواز گنجشک
اطاعت اوست



درس ۳ مخاطره‌ی ماه

شب از نیمه گذشته بود. ماه از بالا نگاه می‌کرد. خانه‌ای روشن و نورانی دید.

در خانه، مادر و پسری بیدار بودند.

مادر دست به‌سوی آسمان بلند کرده بود و زیر نور ماه دعا می‌کرد.

پسر دعاهای مادر را می‌شنید و آهسته آمین^۱ می‌گفت.

- خدایا بیماران را شفا بده!

- خدایا به نیازمندان کمک کن!

- خدایا همه را به راه درست راهنمایی کن!

پسر پرسید: مادر! چرا برای خودت دعا نمی‌کنی؟!

مادر دستی بر سر فرزند خود کشید و گفت: عزیزم!

اول برای دیگران دعا می‌کنیم و بعد برای خود!

آن شب دختر پیامبر، حضرت فاطمه، برای همسایه‌ها

و دوستانش دعا کرد و فرزندش حسن علیه‌السلام^۲

آمین گفت.

ماه با خود گفت:

چه خانه‌ی زیبایی و چه دعاهای قشنگی!

۱- آمین: قبول کن

۲- علیه‌السلام: سلام بر او





فکر می‌کنم

با دعا کردن برای دیگران ...



دوست دارم

من هم مانند حضرت فاطمه سلام الله علیها باشم؛ پس ...



امین و مینا

امین برادر مینا است. آنها دوست دارند کنار مادر بزرگ بنشینند و دعا کنند.

امین: خدایا به من و دوستانم کمک کن تا

مینا: ای خدای بزرگ، کاری کن تا همه‌ی آدم‌ها

امین: خدایا به مادر بزرگم سلامتی بده تا

مینا: ای خدای مهربان، پدر، مادر و معلم را

مادر بزرگ گفت: بچه‌ها! حالا من دعا می‌کنم و شما آمین بگویید.

خدایا! به ما کمک کن کارهای خوب انجام دهیم تا امام زمان از ما راضی باشد و

به رهبر عزیز ما سلامتی بده.

امین و مینا: آمین.



گفت و گو با خدا



خدایا





مهربان‌تر از مادر

...از میان درختان سرسبز می‌گذشتم. جیک جیک چند جوجه به گوشم رسید.

صدا را دنبال کردم تا به لانه‌ی گنجشک‌ها رسیدم. چه جوجه‌های زیبایی! جوجه‌ها را برداشتم و به راه افتادم.

صدای جوجه‌ها هر لحظه بیشتر و بیشتر می‌شد. شاید کسی را صدا می‌زدند یا گرسنه بودند.

به آسمان نگاه کردم. دیدم گنجشکی بالای سرم می‌چرخد. گنجشک با شتاب به من نزدیک شد و ناگهان خود را روی جوجه‌ها انداخت. ماجرای عجیبی بود! آن‌ها را گرفتم و با خود آوردم.



پیامبر خدا و یارانش به سخنان مرد مسافر گوش دادند.

پیامبر گفت: جوجه‌ها را روی زمین بگذار.

همه با تعجب نگاه می‌کردند. مادر جوجه‌ها از آن‌ها جدا نمی‌شد!

یکی از یاران پیامبر گفت: چه مادر مهربانی!

دیگری گفت: حتی یک لحظه هم از جوجه‌هایش جدا نمی‌شود!

پیامبر گفت: آیا از محبت این مادر تعجب می‌کنید؟

«بدانید، خداوند از این مادر مهربان‌تر است. او بنده‌هایش را خیلی دوست دارد.»

سپس به مرد گفت: گنجشک‌ها را به لانه بازگردان.

مرد به راه افتاد و در راه به سخن پیامبر و مهربانی خدا فکر می‌کرد.

هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

او مهربان‌ترین مهربانان است.

(سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۶۴)



دوست دارم



من هم با پرندگان مهربان باشم. پس ...

ببین و بگو



با دقت به این دو تصویر نگاه کن. از آن‌ها چه می‌فهمی؟



.....

.....

.....

بازی و نمایش



داستان درس را به صورت نمایش در کلاس اجرا کنید.

یک کار خوب

در دفتر نقاشی خود دو گل زیبا بکش. در کنار هر گل، جمله‌ای برای تشکر از پدر و مادر بنویس و به آن‌ها هدیه کن.

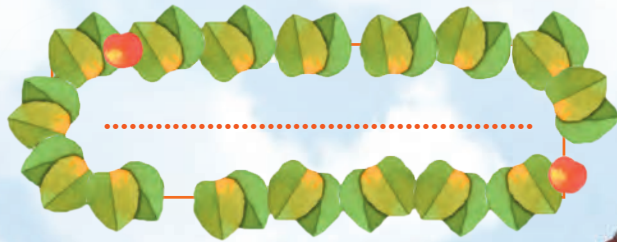


به نام خدای بزرگ
که پروانه را آفرید
به روی دو تا بال او
خط و خال زیبا کشید

خدایی که با یاد او
لب غنچه‌ها باز شد
نوک زرد بلبل از او
پر از شعر و آواز شد

خدایی که پرواز را
به گنجشک آموخته
لباسی هم از جنس پر
برای تنش دوخته
ناصر کشاورز

دوست دارم یک نام زیبا برای این شعر با کمک دوستانم انتخاب کنم.



می خواهم وضو بگیرم

صدای مؤذن بلند می شود: الله اکبر ...
 هنگام نماز است. می خواهم با خدای مهربان حرف بزنم.
 باید خود را آماده کنم.



سپس صورتم را از جایی که موی سر
 می روید تا چانه می شویم. از بالا به پایین.



اول نیت می کنم که برای انجام فرمان
 خدا و خشنودی او وضو می گیرم.



بعد دست چپ را مانند دست راست
می شویم.



حالا نوبت دست هاست. اول دست
راست را از آرنج تا سر انگشتان
می شویم. از بالا به پایین.



سپس با دستِ تر بر موهای جلوی سرم می کشم.



بعد از آن، با دست راست روی پای
راست را مسح می‌کنم. یعنی از سر
انگشتان تا برآمدگی پا دست می‌کشم.



روی پای چپ را نیز با دست چپ
مسح می‌کنم.



مادرم می‌گوید: وقتی وضو می‌گیریم، پاکیزه می‌شویم و خود را برای خواندن نماز
آماده می‌کنیم.
من شعر زیبای «وضو» را از او یاد گرفته‌ام.



با هم بخوانیم

با راهنمایی معلم، شعر زیبای وضو را در کلاس با هم بخوانید.

تمرین کنیم

یک بار دیگر وضو گرفتن را با کمک معلم در حیاط مدرسه تمرین می‌کنیم تا آن را خوب یاد بگیریم.



همراه با خانواده

با کمک پدر یا مادر، وضو را در خانه تمرین کنید. سپس یک بار وضو بگیرید و از آن‌ها بخواهید جدول زیر را برای شما کامل کنند.

عملکرد من		مراحل وضو
خوب	خیلی خوب	
	✓	۱- نیت
		۲- شستن صورت
		۳- شستن دست‌ها
		۴- مسح سر
		۵- مسح پاها



امین و مینا



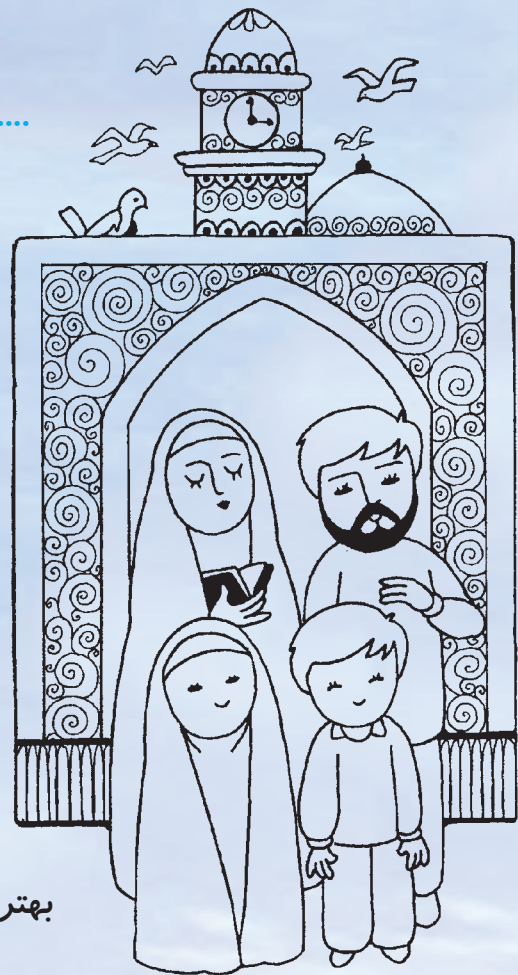
امین و مینا می‌خواهند این شکل‌ها را به ترتیب شماره گذاری کنند. شما هم به آن‌ها کمک کنید.





بین و بگو

برای چه کارهایی وضو می گیریم؟



..... بهتر است برای



پیامبران خدا

خدا
پیامبر

مردم

آقای امیری روی تابلوی کلاس نوشت:

خدا

پیامبر

مردم

و از بچه‌ها خواست با این کلمات جمله بسازند.

معلم جمله‌ها را روی تابلو نوشت و به بچه‌ها گفت:

چه جمله‌های زیبایی نوشتید!

حالا از سعید می‌خواهیم جمله خود را بخواند.

«خدا پیامبران را فرستاد تا مردم را راهنمایی کنند.»

معلم پرسید: آن‌ها مردم را به چه چیزی راهنمایی می‌کنند؟
سعید گفت: کارهای درست را به مردم یاد می‌دهند و از آن‌ها می‌خواهند
کارهای زشت را انجام ندهند.

معلم ادامه داد: آفرین بچه‌ها! حالا می‌خواهم با کمک شما، نام بزرگ‌ترین
پیامبران خدا را روی تابلو بنویسم.
این حرف‌های پراکنده را مرتب کنید:

و ح ن حضرت..... (علیه السلام)

ی ا ر ا ب م ه حضرت..... (علیه السلام)

س ی و م حضرت..... (علیه السلام)

ی ی ع س حضرت..... (علیه السلام)

ح د م حضرت..... (صلی الله علیه و آله)



آن‌گاه گفت: بچه‌ها! البته خدا پیامبران زیادی
فرستاده است....



گفت و گو کنیم



به جز نام پیامبرانی که در درس خواندیم، چه پیامبران دیگری می‌شناسید؟
درباره‌ی آن‌ها گفت‌وگو کنید.

فکر می‌کنم



من هم اگر بخواهم جمله‌ای زیبا درباره‌ی پیامبران بنویسم، می‌نویسم:

.....

بین و بگو



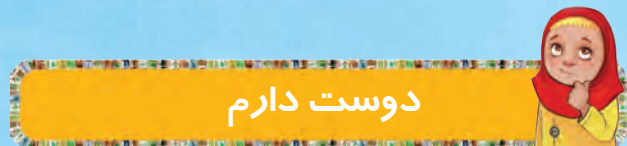
با دقت در تصاویر، داستان آن‌ها را برای دوستان خود بیان کنید.





امین و مینا درس «پیامبران خدا» را به پدر نشان می‌دهند. پدر می‌پرسد: بچه‌ها! پیامبران مردم را به چه کارهایی دعوت می‌کنند؟

- امین: به انجام دادن کارهای خوب مثل
 - مینا: آن‌ها به ما یاد می‌دهند که
 - امین: به این که نباید دیگران را
 - مینا: مثلاً این که نباید هنگام بازی با دوستانمان
- پدر گفت: آفرین بچه‌ها! پیامبران آمدند تا حرف‌های خدا را به گوش مردم برسانند و آن‌ها را به خوبی‌ها دعوت کنند.



به حرف‌های پیامبران خوب خدا گوش کنم تا

مهمان کوچک

ظهر بود.

پیامبر خدا و دوستش بلال در مسجد نشسته بودند و با هم صحبت می کردند.
 کودکی وارد شد و سلام کرد. پیامبر با مهربانی جواب سلامش را داد.
 کودک گفت: من پدر ندارم و با مادر و خواهرم زندگی می کنم.
 شما را خیلی دوست دارم.

پیامبر لبخندی زد و گفت: چه با ادب حرف می زنی!

بعد به بلال گفت: به خانه ی ما برو و برای این کودک خوراکی بیاور!
 بلال رفت و با یک ظرف کوچک خرما بازگشت.

پیامبر خرماها را شمرد. بیست و یک دانه بود!

پیامبر دستی بر سر کودک کشید و گفت:

هفت تا برای خودت، هفت تا برای خواهرت و هفت تا هم برای مادرت.

کودک یکی از خرماها را به دهان گذاشت. خیلی شیرین بود!

از پیامبر تشکر کرد و با خوش حالی به سوی خانه راه افتاد.





فکر می‌کنم

پیامبر (صلی الله علیه و آله) خیلی مهربان بود که



دوست دارم

من هم مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) ...



امین و مینا درباره‌ی داستان مهربانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یکدیگر گفت و گو می‌کنند.

امین: من از داستان «مهمان کوچک» یاد گرفتم

مینا: من هم

امین: اگر من به جای آن کودک بودم،

مینا: خدا از کمک کردن به انسان‌ها خیلی



مسجد پیامبر در شهر مدینه





امروز محمّد یک ساله شده است.
خواهرش زهرا او را می‌بوسد و به یاد سال قبل می‌افتد. روزی که خدا نوزادی را
به آن‌ها هدیه داد.
روز تولّد پیامبر خدا، حضرت محمّد بود. برای همین پدر و مادرش نام زیبای
محمّد را برایش انتخاب کردند.
زهرا خیلی خوش حال است. او می‌خواهد امشب به همراه مادر و برادرش در
جشنی بزرگ شرکت کند.



زهرا و مادرش وارد مسجد می‌شوند.
بوی گل در حیاط پیچیده است. دیوارها با پارچه‌ها و کاغذهای رنگی تزیین
شده‌اند.
مسجد خیلی زیباتر شده است!
زهرا دوستش آمنه را می‌بیند. به سوی او می‌رود و روز تولّد پیامبر را به او
تبریک می‌گوید.
در این هنگام صدای اذان بلند می‌شود.
وقتی مردم نام زیبای پیامبر را می‌شنوند، همه صلوات می‌فرستند.





بعد از نماز، برای میلاد پیامبر جشن گرفتند.
همه با شیرینی و شکلات پذیرایی شدیم.
امام جماعت داستان‌های زیبایی از زندگی پیامبر تعریف کرد و بچه‌های مسجد
سرود زیبایی خواندند.

بدانیم:

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در شهر مکه به دنیا آمد. نام پدرش
عبدالله و نام مادرش آمنه بود. بسیار امانت‌دار و درست‌کار بود و به همین
دلیل به او «محمد امین» می‌گفتند. ما مسلمانان پیامبران را دوست داریم
و به او احترام می‌گذاریم. برای زیارت او به شهر مدینه می‌رویم و هر
سال، روز تولد پیامبر خدا را جشن می‌گیریم.

دوست دارم

با کمک دوستانم برای میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) جشن بگیریم.
هر کس پیشنهادی می‌دهد.
من می‌گویم ...

بازی و نمایش

داستان درس «مهمان کوچک» را در کلاس به صورت نمایش اجرا کنید.

بگرد و پیدا کن



حضرت محمد
صلی الله علیه و آله

نام پدر:

.....

محلّ تولّد:

.....

نام مادر:

.....

معروف به:

.....



اهل بیت پیامبر

حسن و حسین به خانه آمدند.
به مادر سلام کردند و گفتند: امروز چه بوی خوشی خانه را پر کرده است. بوی خوش پدر بزرگ می آید! مادر جواب سلام آن‌ها را داد و گفت: امروز پدر بزرگ مهمان ماست.

بچه‌ها خیلی خوش حال شدند و به درون اتاق دویدند.
پیامبر خدا هر دو را در آغوش گرفت. او نوه‌هایش را خیلی دوست داشت.
سپس پیامبر عبایش را بر سر خود و نوه‌هایش کشید.
بچه‌ها دستان کوچک خود را دور گردن پیامبر انداختند.
هر کدام آرزویی کردند:

- کاش پدر اینجا بود.

- کاش مادر اینجا بود.

لحظه‌ای بعد، صدایی آشنا شنیدند.

...اجازه می‌دهید ما هم در کنار شما باشیم؟

بچه‌ها از دیدن پدر و مادر در کنار پیامبر خیلی خوش حال شدند.
اتاق کوچکی درست شد. پر از صفا و مهربانی!

پیامبر دست به دعا بلند کرد:

خدایا این چهار نفر اهل بیت من هستند.

دوستان آن‌ها دوستان من هستند و دشمنان آن‌ها دشمن من!
خدایا بر آن‌ها درود فرست و بدی‌ها را از آن‌ها دور کن!

